۲ ✪ **هر یک از ابیات زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید و وزن هریک را بنویسید؛ سپس نشانه‌های هجایی هر یک را مشخّص کنید. (۶)**

تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی — تو نمایندهٔ فضلی، تو سزاوار ثنایی

(تهران ـ نمونه‌دولتی ولایت ـ خرداد۹۷)

چرخ ار نگردد گرد دل، از بیخ و اصلش برکنم — گردون اگر دونی کند، گردون گردان بشکنم

مرا تا عشق صبر از دل براندست — بدین امّید جان من بماندست

۳ برای هر یک از نشانه‌های هجایی زیر، وزن واژهٔ مناسب بنویسید. (۱) (تربت‌جام ـ نمونه‌دولتی عفاف ـ خرداد۹۷)

الف) ـ U ـ ـ **ب)** ـ ـ U ـ **پ)** ـ U U ـ **ت)** U ـ ـ ـ

۱ الف) فعلاتن (۰/۵)، ب) فَعَل (۰/۵)

۲ بیت اوّل (۲)

پایه‌های آوایی	تُ	حَ	کی	می	تُ	عَ	ظی	می	تُ	کَ	ری	می	تُ	رَ	ح	می
	تُ	نَ	ما	ین	دِ	ی	فض	لی	تُ	سِ	زا	وا	رِ	ثَ	نا	یی
وزن	فعلاتن				فعلاتن				فعلاتن				فعلاتن			
نشانه‌های هجایی	U	U	ـ	ـ	U	U	ـ	ـ	U	U	ـ	ـ	U	U	ـ	ـ

بیت دوم (۲)

پایه‌های آوایی	چَر	خَر	نَ	گر	دَد	گِر	دِ	دل	از	بیـ	خُ	اصـ	لَش	بر	کَ	نم
	گر	دو	نَ	گر	دو	نی	کُ	ند	گر	دو	نِ	گر	دان	بشـ	کَ	نم
وزن	مستفعلن				مستفعلن				مستفعلن				مستفعلن			
نشانه‌های هجایی	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ	ـ

بیت سوم (۲)

پایه‌های آوایی	مَ	را	تا	عِش	قَ	صَب	زَز	دِل	بِ	ران	دَست
	بِ	دین	اُم	می	د	جا	نِ	مَن	بِ	مان	دَست
وزن	مفاعیلن				مفاعیلن				مفاعی (فعولن)		
نشانه‌های هجایی	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ

۳ الف) فاعلاتن (۰/۲۵)، ب) مستفعلن (۰/۲۵)، پ) مفتعلن (۰/۲۵)، ت) مفاعیلن (۰/۲۵)

درس ۹: استعاره

مفاهیم آموزشی

هرگاه مجاز بر بنیاد شباهت استوار باشد، استعاره پدید می‌آید.

معنای استعاره از دو دیدگاه
- لغوی (واژگانی): قرض گرفتن، وام گرفتن، عاریه گرفتن
- ادبی: کاربرد واژه‌ای به‌جای واژهٔ دیگر به دلیل شباهت در ویژگی یا صفتی مشترک

✪انواع استعاره
- ۱ـ «مشبّه‌به» بیان می‌شود و ارادهٔ «مشبّه» می‌کند؛ مانند مثال‌های ۱ و ۲
- ۲ـ «مشبّه» بیان می‌شود و ارادهٔ «مشبّه‌به» می‌کند؛ مانند مثال ۳

مثال ۱: صدف‌وار گوهرشناسان راز دهان جز به لؤلؤ نکردند باز (سعدی)

معنای لؤلؤ
- الف) حقیقی: مروارید
- ب) مجازی: سخن باارزش
- قرینه: دهان باز کردن

@KonkurVIPBook

مثال ۲: دلا تـا کـی در ایـن زنـدان فریـب ایـن و آن بینـی　　یکی زیـن چـاه ظلمانـی برون شو تـا جهان بینی　(سنایی)

معنای زندان و چاه ظلمانی
الف) حقیقی: زندان ـ چاه
ب) مجازی: دنیا (جهان مادی)
قرینه: صفت اشارهٔ «این»

مثال ۳: فـردا کـه پیشـگاه حقیقـت شـود پدیـد　　شـرمنده رهـروی کـه عمـل بـر مجـاز کـرد　(حافظ)

شاعر، در اینجا حقیقت (مشبّه) را به قصر یا ساختمانی (مشبّه‌به) تشبیه کرده است که ایوان یا پیشگاه دارد؛ آنگاه «مشبّه‌به» را حذف نموده و تنها «مشبّه» را همراه با یکی از ویژگی‌های مشبّه‌به (پیشگاه داشتن)، ذکر کرده است.

برای ساده شدن سخن، روند رسیدن از تشبیه و پایه‌های (ارکان) چهارگانهٔ آن به استعاره را می‌توان چنین ترسیم کرد:

روند تبدیل تشبیه به استعاره
۱- تشبیه گسترده: مشبّه، ادات تشبیه، وجه‌شبه، مشبّه‌به
۲- تشبیه فشرده: مشبّه، مشبّه‌به
۳- استعاره: مشبّه‌به یا مشبّه + ویژگی مشبّه‌به

هدف از مراحل سه گانهٔ بالا
۱- زیبایی سخن بیشتر می‌شود.
۲- سخن رساتر و هنری‌تر می‌شود.

نکته: اگر از چهار رکن تشبیه دو رکن (مشبّه و مشبّه‌به) باقی بماند، آرایهٔ تشبیه را داریم؛ امّا اگر از دو رکن تشبیه فقط مشبّه‌به باقی بماند، به آن استعارهٔ آشکار (مصرحه) می‌گویند و اگر مشبّه، به همراه لوازم یا ویژگی‌های مشبّه‌به بیاید، استعارهٔ پنهان (مکنیه) پدید می‌آید.

با توجّه به این توضیحات و روند سه گانهٔ بالا، به مثال‌های زیر دقّت کنید:

خـدا را ای رقیـب امشـب زمانـی دیـده بـر هـم نِـه　　کـه من با لعل خاموشش نهانی صد سخن دارم

روند سه گانهٔ تشبیه به استعارهٔ مصرّحه
۱- تشبیه گسترده: لب همانند لعل سرخ است.
۲- تشبیه فشرده: لب لعل
۳- استعاره: لعل

در این مثال، فقط مشبّه‌به (لعل) بیان شده و درنتیجه استعارهٔ مصرّحه پدید آمده است.

تـو را ز کنگـرهٔ عـرش می‌زننـد صفیـر　　ندانمـت کـه در ایـن دامگـه چـه افتـاده اسـت　(حافظ)

روند سه گانهٔ تشبیه به استعارهٔ مکنیه
۱- تشبیه گسترده: عرش همچون قصری است که کنگره دارد.
۲- تشبیه فشرده: قصر عرش (قصر: مشبّه‌به، عرش: مشبه)
۳- استعاره: کنگرهٔ عرش

در این مثال، مشبه (عرش) به همراه ویژگی مشبه‌به (کنگره داشتن) آمده و درنتیجه استعارهٔ مکنیه پدید آمده است.

نکته: هرگاه از پایه‌های تشبیه، فقط مشبّه بیاید و یکی از ویژگی‌های «مشبّه‌به» نیز همراه آن ذکر شود (یعنی استعارهٔ مکنیه داشته باشیم) و این «مشبّه‌به» محذوف انسان باشد، به این نوع استعاره «تشخیص» می‌گویند؛ زیرا «مشبّه» موجودی بی‌جان و غیر انسان است و «مشبّه‌به» محذوف انسان است.

گل بخندیـد و بـاغ شـد پـدرام　　ای خوشـا ایـن جهـان بدیـن ایّـام
(فرّخی سیستانی)

«گل» مانند انسان خندید. در این نوع استعاره که تشخیص هم دارد، تنها مشبّه (گل) به همراه ویژگی مشبّه‌به (انسان) که «خندیدن» است، ذکر شده است.

یادآوری ۱: اگر غیر انسان منادا قرار گیرد، به این معنا است که آن را انسان پنداشته و به او ویژگی انسانی داده‌ایم و این نیز استعارهٔ مکنیه‌ای است که در عین حال تشخیص نیز محسوب می‌شود.

مثال: ای بخـارا شـاد بـاش و دیـر زی　　میـر زی تـو شـادمان آیـد همـی　(رودکی)

بخارا: استعاره و تشخیص است. «دیر زی»: طولانی زندگی کن، پاینده باش.

«زی» مصراع دوم یعنی: «به سوی»؛ بنابراین «زی» و «زی» جناس تام دارند.

مثال: ای نسـیم سـحر آرامگـه یـار کجاسـت؟　　منـزل آن مـه عاشـق‌کُش عیـار کجاسـت؟　(حافظ)

بیت دو استعاره دارد
۱- نسیم سحر: استعاره و تشخیص
۲- مه: استعاره مصرحه از محبوب، یار

@KonkurTBot

یادآوری ۲: گاه نیز اتفاق می‌افتد که پایهٔ (رکن) ذکر شده یعنی «مشبّه» به ویژگی پایهٔ حذف شده یعنی «مشبّه‌به» اضافه می‌شود و به‌صورت ترکیب اضافی می‌آید؛ به این نوع اضافه، اضافهٔ استعاری می‌گویند. مانند:

سر نشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره از آن چکید و نامش دل شد

رگ روح: اضافهٔ استعاری

«روح» مشبّه است که به ویژگی مشبّه‌به محذوف (انسان) یعنی «رگ داشتن» اضافه شده است.

✪ طرز تشخیص تشبیه فشردهٔ اضافی (اضافهٔ تشبیهی) از اضافهٔ استعاری

دو ترکیب: «چراغ دانش» و «بال اندیشه» را در نظر بگیرید. اوّلی تشبیه فشردهٔ اضافی است؛ زیرا می‌توان گفت:

دانش همچون چراغ است. (چراغِ دانش: مشبّه‌به + مشبّه)

امّا در «بال اندیشه» نمی‌توان گفت:

اندیشه به‌سان بال است. در اینجا «اندیشه» به پرنده تشبیه شده و ویژگی پرنده که بال داشتن است با «مشبّه» آمده است. (بالِ اندیشه: ویژگی مشبّه‌به + مشبّه)

مثال ۱: خشم دریا او را با خود برد: خشم دریا: دریا مانند انسانی است که خشم دارد ← اضافهٔ استعاری

مثال ۲: بی‌مهر رُخت روز مرا نور نمانده است: مهر رخ: رُخ (چهره) تو مانند مهر (خورشید) است ← اضافهٔ تشبیهی

خودارزیابی ۷۵

۱- ✪ در بیت‌های زیر ... :

الف) کی‌ام؟ شکوفهٔ اشکی که در هوای تو هرشب / ز چشم ناله شکفتم به روی شِکوه دویدم — اوستا

(ز چشم: اضافهٔ استعاری؛ شِکوه: اضافهٔ استعاری)

ب) ای باد بامدادی خوش می‌روی به شادی / پیوند روح کردی پیغام دوست دادی — سعدی

(ای باد بامدادی: استعاره مکنیه (تشخیص))

پ) ای گل تازه که بویی ز وفا نیست تو را / خبر از سرزنش خار جفا نیست تو را — وحشی بافقی

(ای گل تازه: استعاره مصرّحه از معشوق؛ سرزنش خار: اضافهٔ استعاری)

ت) هرکاو نکاشت مهرو ز خوبی گلی نچید، / در رهگذار باد نگهبان لاله بود — حافظ

(مهرو: استعاره مکنیه؛ خوبی: استعاره مکنیه؛ گلی نچید: استعاره مکنیه)

نکاشت مهر: استعارهٔ مکنیه ← مهر مانند دانه‌ای است که کاشته می‌شود. (مهر: مشبّه؛ مانند: مشبّه‌به؛ کاشته: وجه‌شبه)

گل چیدن از خوبی: استعارهٔ مکنیه ← خوبی مانند درخت گلی است که از آن گل چیده می‌شود. (خوبی: مشبّه؛ مانند: مشبّه‌به؛ چیده: وجه‌شبه)

نکته: رهگذار باد: مسیر یا جایی که باد از آن می‌گذرد و استعاره نیست.

لاله ایهام دارد { گل لاله / شمعدان (چراغ) به شکل لاله } و استعاره نیست.

ث) شب ایستاده است / خیره نگاه او / بر چارچوب پنجرهٔ من — سپهری

(شب ایستاده است: استعاره مکنیه (تشخیص))

ج) آینه‌ات دانی چرا غمّاز نیست؟ / زانکه زنگار از رخش ممتاز نیست — مولانا

(آینه‌ات: استعارهٔ مصرّحه از دل؛ زنگار: استعارهٔ مصرحه از گناه و پلیدی)

یعنی دل همانند آینه است. (فقط «مشبّه‌به» آمده است.) (دل: مشبّه؛ آینه: مشبّه‌به)

✪ **نکته:** معنی استعاری «آینه»، «دل» است که برای آن رخ داشتن (ویژگی انسانی) تصوّر شده است؛ بنابراین «آینه» تشخیص نیز دارد.

چ) دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر / کای نور چشم من به جز از کشته ندروی — حافظ

(نور چشم: استعاره مصرّحه از فرزند؛ کشته ندروی: استعاره مصرّحه از عمل، کار و تلاش)

۲- تشبیه بیت زیر ... :

دگر باره خیّاط باد صبا / بر اندام گل دوخت رنگین قبا — ملک‌الشعرای بهار

(خیّاط: مشبّه‌به؛ باد صبا: مشبّه)

تشبیه: خیّاط باد صبا

استعاره: باد صبا پیراهنی رنگین برای گل دوخت.

نکته: اندام گل نیز اضافهٔ استعاری است.

@KonkurVIPBook

۳- ✪ استعاره‌های آشکار را ... .

صبحگاهی سر خوناب جگر بگشایید ژاله صبحدم از نرگس تر بگشایید خاقانی

۱- «ژاله» استعاره مصرّحه از «اشک» است. ۲- «نرگس» استعاره مصرّحه از «چشم» است.

تشبیه کامل استعارهٔ ۱: اشک مانند ژاله شفاف است.

تشبیه کامل استعارهٔ ۲: چشم مانند نرگس خمار است.

۴- ویژگی‌های شعر کلیم ... :

ما ز آغاز و ز انجام جهان بی‌خبریم اوّل و آخر این کهنه کتاب افتاده است

تصویرهای بدیع و معانی تازه از ویژگی‌های بارز شعر کلیم است که در این بیت نمایان است. وی مفهوم ابد و ازل را با بیانی تازه و بدیع مطرح کرده و با آوردن ترکیب «کهنه کتاب» استعارهٔ تازه‌ای برای مفهوم جهان خلق کرده است.

وزن بیت نیز عبارت است از: فاعلاتن / فعلاتن / فعلاتن / فعلن

ارزشیابی مستمر

۱ درست یا نادرست بودن عبارات زیر را مشخّص کنید. (۰/۵ نمره)

الف) هرگاه مجاز بر بنیاد شباهت استوار نباشد، آن را استعاره گویند. ☐ درست ☐ نادرست

ب) اگر غیرانسان، «منادا» قرار گیرد، به آن تشخیص می‌گویند. ☐ درست ☐ نادرست

۲ جاهای خالی را با واژگان مناسب پر کنید. (۱)

استعاره در لغت به معنای ..... و ..... است.

۳ در مصراع «چشم حس همچون کف دست است و بس» کدام‌یک از آرایه‌های ادبی را می‌توان دید؟ (۰/۲۵)

الف) تشبیه و کنایه ب) مجاز و کنایه پ) استعاره و کنایه ت) استعاره و تشبیه

۴ ✪ کدام‌یک از ترکیب‌های مشخّص شده، «اضافهٔ استعاری» است؟ (۰/۲۵)

الف) گر مستِ حیرت‌ایم ز روی تو دور نیست آتش‌پرست واله و حیران آتش است

ب) از درد عشق، دل و دیده خون گرفت مرا سپاه عشق، درون و برون فراگرفت مرا

پ) سپاه صبر ما بشکست چون او به غمزه تیر باران کرد ما را

ت) دگر از درد تنهایی به جانم یار می‌باید دگر تلخ است کامم شربت دیدار می‌باید

۵ در ابیات زیر استعاره‌ها را مشخّص و نوع آن را تعیین کنید. (۲)

الف) سپهر دور خوش اکنون کند که ماه آمد جهان به کام دل اکنون رسد که شاه رسید

ب) مرا در خانه سروی هست کاندر سایهٔ قدش فراغ از سرو بستانی و شمشادِ چمن دارم

پ) درّم از دیده چکان است به یاد لب لعلت نگهی باز به من کن که بسی دُر نچکانم

(تربت جام - نمونه‌دولتی عفاف - خرداد۹۷)

ت) ای مشت زمین بر آسمان شو بر وی بنواز ضربتی چند

۶ ✪ در نمونه‌های زیر، استعاره‌ها را بیابید و بنویسید کدام‌یک، اضافهٔ استعاری هستند؟ (۲)

الف) ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس بوسه زن بر خاک آن وادیّ و مشکین کن نفس

ب) در آن دست روح باران غوغا به پا کرده بود.

پ) سر نشتر عشق، بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید و نامش دل شد

ت) بنگر یکی به رود خروشان به وقت آنک دریا پی پذیره‌اش آغوش برگشود

۷ نوع استعاره (مصرّحه - مکنیه) را در ابیات زیر مشخّص کنید. (۰/۵) (لالجین - مدرسهٔ اندیشه - خرداد۹۷)

الف) تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من هیچ کس می‌نپسندم که به جای تو بود

ب) باز امشب ای ستارهٔ تابان نیامدی باز ای سپیدهٔ شب هجران نیامدی

۸ اضافه‌های استعاری را در بیت زیر بیابید. (۱) (آبادان - مدرسهٔ شاهد خاتم الانبیاء (ص) - خرداد۹۷)

«کی‌ام شکوفهٔ اشکی که در هوای تو هرشب ز چشم ناله شکفتم به روی دیده دویدم»

۹ استعارهٔ زیر را به تشبیه تبدیل کنید و پایه‌های تشبیه را بنویسید. (۰/۵)

جاده، نفس نفس می‌زد.

۱ الف) نادرست (۰/۲۵)، ب) درست (۰/۲۵) ۲ عاریت (۰/۵)، وام گرفتن (۰/۵) ۳ گزینهٔ «ت»؛ (۰/۲۵) چشم حس: استعاره (اضافهٔ استعاری) است و «چشم حس» به «کف دست» تشبیه شده است.

@KonkurVIPBook

۴ گزینهٔ «الف»؛ (۰/۲۵) حیرت به شراب تشبیه شده و ویژگی شراب که «مستی» است با آن آمده است (استعارهٔ مکنیه). ترکیب‌های مشخص شده در گزینه‌های دیگر همگی تشبیه فشرده هستند. ۵ الف) ماه: استعاره مصرّحه از معشوق یا ممدوح شاعر است. (معشوق مانند ماه ...) (۰/۵)، ب) سرو (در مصراع اوّل): استعاره مصرّحه از معشوق شاعر (۰/۵)، پ) درّ: استعاره مصرّحه از اشک (لب لعل: اضافهٔ تشبیهی است.) (۰/۵)، ت) مشتِ زمین: اضافهٔ استعاری (زمین را به انسان تشبیه کرده و آنگاه آن را حذف کرده و داشتن مشت را که از ویژگی‌های انسان است، به آن نسبت داده است.) (۰/۵) ۶ الف) ای صبا: استعاره مکنیه از نوع تشخیص (۰/۵)، ب) روح باران: اضافهٔ استعاری (۰/۵)، پ) رگ روح: اضافهٔ استعاری (۰/۵)، ت) آغوش گشودن دریا: استعاره از نوع تشخیص (۰/۵) ۷ الف) استعارهٔ مصرّحه (۰/۲۵)، ب) استعارهٔ مکنیه از نوع تشخیص (۰/۲۵) ۸ چشم ناله (۰/۵)-روی دیده (۰/۵) ۹ جاده مانند انسانی نفس‌نفس می‌زد. (۰/۵)
مشبّه ادات‌تشبیه مشبّه‌به وجه شبه

کارگاه تحلیل فصل ۷۷

۱- ✪ غزل زیر را ... :

جان به لب داریم و همچون صبح خندانیم ما — دست و تیغ عشق را زخم نمایانیم ما
از سیاهی داغ ما هرگز نمی‌آید برون — در سواد آفرینش آب حیوانیم ما
پشت چون آیینه بر دیوار حیرت داده‌ایم — والهٔ خار و گل این باغ و بستانیم ما
از شبیخون خمار صبحدم آسوده‌ایم — مستی دنباله‌دار چشم خوبانیم ما
خرقه از ما می‌ستاند نافهٔ مشکین نفس — از هواداران آن زلف پریشانیم ما
حلقهٔ چشم غزالان حلقهٔ زنجیر ماست — دائم از راه نظر در بند و زندانیم ما
گر چراغ بزم عالم نیست صائب کلک ما — چون ز بخت تیره دائم در شبستانیم ما؟
صائب

الف) ویژگی‌های شعر صائب را در غزل بررسی کنید. قالب شعر غزل است (صائب به غزل‌سرایی شهره است). مضامین هنرمندانه و ترکیبات تازه از دیگر مختصات شعری اوست که در این غزل در قالب تصویرسازی‌های خلاقانه و هنرمندانه نمود یافته است (سواد آفرینش، مستی دنباله‌دار، ...). استعاره‌های پیاپی و تشبیهات فراوان ابزاری هستند که در این غزل به خدمت شاعر درآمده‌اند و مضامین را به تصویر کشیده‌اند. کاربرد زبان ساده در عین ابهام در معانی (بیت سوم) و همچنین تک‌بیت گویی از دیگر ویژگی‌های این غزل است.

ب) شعر را از نظر زیبایی‌شناسی تحلیل نمایید. بیت اوّل: جان به لب داشتن: کنایه از در زحمت و رنج فراوان بودن / همچون صبح خندانیم ما: تشبیه گسترده / دست و تیغ عشق: استعاره / زخم نمایانیم ما: تشبیه گسترده

بیت دوم: از سیاهی بیرون نیامدن: کنایه از دائمی بودن غم / بین «سیاهی» و «سواد» و «آب حیوان» تناسب (مراعات نظیر) وجود دارد. / سواد آفرینش: اضافهٔ تشبیهی / آب حیوانیم ما: تشبیه بلیغ اسنادی

بیت سوم: دیوار حیرت: تشبیه (فشرده) / چون آیینه پشت بر دیوار حیرت داده‌ایم: تشبیه گسترده

بیت چهارم: مصراع دوم تشبیه دارد.

بیت پنجم: خرقه از ما می‌ستاند: کنایه از اینکه زهد ما را از ما می‌گیرد. (وقتی یار زلف مشکین و خوش‌بوی خود را پریشان می‌کند، ما دین و ایمان خود از دست می‌دهیم.)

بیت ششم: غزالان: استعاره از معشوق زیبارو (زیبارویان) / زنجیر: مجاز از گرفتاری / بین حلقهٔ اوّل و حلقهٔ دوم جناس تام وجود دارد. / در بند بودن: کنایه از اسیر بودن و گرفتار بودن / حلقهٔ چشم غزالان، حلقهٔ زنجیر ماست: تشبیه

بیت هفتم: کلک: مجاز از شعر است. / چراغ بزم عالم شدن: کنایه از تأثیرگذاری و زبانزد شدن / این بیت حسن تعلیل دارد. (چون شعر من چراغ بزم مردم جهان است و روشن‌کنندهٔ محفل‌هاست، دائم در خلوتگاه و اندرونی به سر می‌برم.)

پ) وزن شعر را بنویسید. وزن شعر: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۲- متن زیر را ... :

«مجموعه‌ای می‌بایست از هر دو عالم روحانی و جسمانی که هم محبّت و بندگی به کمال دارد و هم علم و معرفت به کمال دارد تا بار امانت مردانه و عاشقانه در سفت جان کشد.» **نجم الدّین رازی**

از نظر زیبایی‌شناسی: کاربرد آرایه‌هایی مانند استعاره (سفت جان)، تضاد (روحانی و جسمانی)، تشبیه (بار امانت)، تلمیح: اشاره به آیهٔ ﴿إنّا عَرَضنَا الأَمانَةَ عَلَى السَّماوَاتِ و الأَرْضِ و الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ اَن يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنهَا و حَمَلَها الْإِنسانُ إنَّهُ كانَ ظَلوماً جَهولاً﴾ (سورهٔ احزاب، آیهٔ ۷۲) و تکرار (به کمال دارد) بر زیبایی اثر افزوده است.

از نظر فکری: محتوای متن، عرفانی است و اشاره به خلقت انسان دارد؛ همچنین این متن بیانگر این نکتهٔ لطیف عرفانی است که انسان دو بُعد روحانی و جسمانی دارد و همین بُعد روحانی او باعث شده است که از سایر موجودات برتر باشد و لایق به دوش کشیدن امانت الهی (عشق، معرفت) شود.